اخگر به گریبان؛ برگ‌هایی از خاطرات منیر شفیق (۶)

خروج از قطمون

صادق حسین جابری انصاری
مترجم

کتاب «من جمر الی جمر: صفحات من ذکریات منیر شفیق» (به فارسی: از اخگری به اخگری دیگر: برگه‌هایی از خاطرات منیر شفیق) نوشته منیر شفیق است. این کتاب توسط نافذ ابوحسنه تدوین شده و مطابق برنامه، بخش‌هایی از ترجمه فارسی آن در این ستون منتشر می‌شود.

من همراه با مادر و خواهر و برادرانم، «قطمون» را دو شب، پیش از سقوط، یعنی در ۲۸ آوریل ۱۹۴۸ ترک کردیم. همین جا ممکن است، برخی پرسش‌هایی از این گونه بپرسند که آیا یک مکان، به‌خاطر دوری از آن، در ذهن انسان، زیباتر از آنچه هست، می‌شود؟ آیا انسان، گذشته خود را به‌خاطر سختی حال امروزینش، زیباسازی می‌کند؟ آیا «قطمون»، همین جایگاه فعلی خود را در ذهن ما می‌داشت، اگر زندگی در آن، به‌طور طبیعی ادامه می‌یافت و در همان مکان باقی می‌ماندیم؟ یا اگر حداقل امکان بازگشت و دیدار از آن، هر وقت می‌خواستی، فراهم بود؟ این واقعیتی است که اگر «قطمون»، فلسطینی و عربی باقی مانده و اشغال نشده، اهالی آن کوچانده، و از دیدار دوباره‌اش محروم نشده بودند، وضع، متفاوت بود. من خود از سال ۱۹۴۸، نتوانسته‌ام، «قطمون» را ببینم. محروم کردن اجباری اهالی «قطمون» و «فلسطین»، از بازگشت به آن، بسیار سنگدلانه، و تأثیری شگرف بر روحیه، اندیشه، احساسات، کرامت و خاطرات همه ما بجا گذاشته است.

این خاطره و احساس، با کوچ اجباری، محرومیت از بازگشت، احساس غربت و «نکبت اشغال فلسطین» و سیاست‌های منتهی به آن پیوند دارد. همچنان که با «حق» و «عدالت» و خشم آدمی از فاجعه «اشغال فلسطین» ارتباط دارد. ایجاد «رژیم صهیونیستی»، فاجعه‌ای برای «فلسطین» و بزرگ‌ترین مصیبت برای امت بود که هنوز هم همراه همه ما است. این فاجعه، زخمی درمان‌ناپذیر آفرید و اشتیاقی همراه با التهاب در قلب من پدید آورد که هفتاد و یک سال از آن می‌گذرد و هر سال، این زخم، عمق بیشتری و آن اشتیاق، اندازه زیادتری می‌یابد. شاید اگر زندگی در فلسطین به شکل عادی خود می‌ماند و ما از «قطمون»، خارج و به محله دیگری می‌رفتیم، خاطره جدید دیگری در تکمیل خاطره زیبای «قطمون»، در جان و دل ما شکل می‌گرفت. اما آتش آن خاطره، با خشم ناشی از کوچ اجباری و کنده شدن از سرزمین خود شعله‌ور شد.

این درست است که من و خانواده‌ام، آوارگانی خیمه‌نشین نشدیم و از محله‌ای در «قدس»، به محله دیگر آن جابه‌جا شدیم، اما فرق زیادی میان این هست که در جایی از کشور خود زندگی کنید و بعد به منطقه دیگری از شهر و دیار خود جابه‌جا شوید، با اینکه مجبور به مهاجرت به مکان دیگری شوید و حتی از دیدار از مکان اصلی زندگی‌تان محروم شوید. خانواده ما در «قدس» ماند و به محله «باب الساهره»، و بعدتر، «وادی الجوز»، منتقل شد، اما این، یک جابه‌جایی عادی نبود، و نتیجه کنده شدن غیرعادی و اجباری از مکان سکونت خود بود. از آن پس، چقدر دیدن سیم خاردارها و منطقه ممنوعه‌ای سخت بود که شرق قدس را از غرب آن جدا می‌کرد. از همین رو، این تحول، به خاطراتی در اندرون من و دیگر فلسطینی‌های خسته دل شکل داد که بی‌همتا است. من همین الان هم می‌توانم «قطمون» را با خیابان‌ها، خانه‌های ورودی‌ها، و درختان آن نقاشی کنم. جزئیات «قطمون» هنوز از خاطر من نرفته است، با اینکه پس از آن، در مکان‌ها و با خاطرات بسیار دیگر زیسته‌ام، اما خاطره‌های دوران کودکی، دهشت انگیز و پربرگ و بار است. بعدتر و پس از اشغال شرق «قدس» در سال ۱۹۶۷، احساسی مشابه، نسبت به «قدس قدیمی» و شرق، شمال و جنوب آن، در وجود ما شکل گرفت.

این به هیچ وجه بدین معنا نیست که ما از واقعیت‌های عادی، اسطوره می‌سازیم. ما، زندگی شادمانه‌ای داشتیم. «فلسطین»، برای من «قطمون» است، منطقه‌ای که کودکی خود را در آن گذرانده‌ام، با همه زیبایی‌هایی که چکیده وار، از آن سخن گفتم. اما در همان حال، «فلسطین» برای من «حیفا»، «ناصره»، «یافا»، «بیسان» و «دریاچه طبریه» هم هست. دریاچه‌ای که در شب‌های مهتابی تابستان، برای شنا به آن می‌رفتیم. ما در این شب‌ها، از شهر «ناصره» به دریاچه می‌رفتیم و در آن شنا می‌کردیم و در کنار آن، شب را به صبح می‌رساندیم. تصویر «دریاچه طبریه»، در ذهن من با موضوعی پیوند دارد که در کشور ما، ماه کامل شب چهارده نامیده می‌شود. «عکا»، شهر زادگاه مادرم، هم شهری بود که به آن می‌رفتم. پدر نیز مرا با خود به مناطق زیادی می‌برد، و با او به تقریب، در همه شهرهای فلسطین گشت زدم و آنها را در همان کودکی شناختم. طبیعی است که اینک دیگر، این شهرها تغییر کرده و به همان شکل باقی نمانده است. راه میان «یافا» و «حیفا» در فصل پرتقالی آن فراموش ناشدنی است. نسیمی در حال وزیدن بود که بوی خوشِ گل‌های پرتقال را به خودروی می‌کشاند. خودروی که با آن در حال عبور از این راه بودی. این منظره زیبا و خاطره انگیز را در هیچ جای دیگری نمی‌توان دید و این بوی خوش را در جای دیگری نمی‌توان احساس کرد. مسیر سی یا چهل کیلومتری در میان باغستان‌های پرتقال، با چنین حالی سپری می‌شد. احساسی وصف ناشدنی برای تو و ریه هایت، هنگامی که در آن جاده سبز و نمناک می‌رفتی و در طرف دیگرش ساحل مدیترانه پیدا بود. هیچ کس مرا سرزنش نخواهد کرد، اگر بگویم، آن بوی خوش پرتقالین، هنوز در ریه‌های من مانده و هیچ گاه آن را ترک نکرده است.

«حیفا» و «یافا» دو مرکز اقتصادی متمایز از «قدس» بود و در هر دو شهر، ثروت زیادی وجود داشت. پدربزرگم، یک ساختمان مسکونی بزرگ در منطقه «الهداره کرمل» داشت. خیابان اصلی این منطقه، شبیه خیابان «حمرا» در «بیروت» امروز بود. ساختمان بزرگ و چهار طبقه‌ای که هر طبقه اش، چهار آپارتمان داشت و مادربزرگ و عمه‌ام در یکی از آپارتمان‌های این ساختمان بزرگ زندگی می‌کردند. این خانه، در مالکیت وارثان پدر بزرگم از جمله من و خواهرانم و پسران و دختران ما است. روبه‌روی ما در این خیابان، «کاخ سرسق» قرار داشت و تنها خیابانی شش متری میان ما فاصله می‌انداخت.

یهودیان بیشتر بخش‌های منطقه «الهداره» را پر کرده بودند، اما بخش عربی نشین هم در آن مانده بود. دریا را به‌خاطر می‌آورم که دو عمه‌ام مرا برای شنا به آن می‌بردند. من، دریا و شنای در آن را بسیار دوست می‌داشتم. این خوشی‌هایی بود که در تعطیلات تابستانی دوره کودکی و نوجوانی، از آن برخوردار می‌شدم. مادربزرگم، زمینی در بالای «کوه کرمل» داشت که صهیونیست‌ها به بهانه اهداف نظامی آن را مصادره کردند.

نقدی بر فهم رسانه‌ای جریان تجدیدنظرطلب از بیانات رهبر معظم انقلاب

تناقضات حقوق بشر غربی

محمد محمدی‌ثانی
دانشجوی دکترای علوم سیاسی

رهبر انقلاب در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی(ره) در جوار مرقد ایشان در بخشی از بیانات‌شان به مرز و فاصله‌ای که حضرت امام(ره) در تفکر و سبک زندگی میان اسلام و غرب قائل بودند پرداختند و در بیان چرایی این فاصله‌گذاری به رفتار و منش متناقض سیاستمداران و روشنفکران غربی اشاره کرده و گفتند:

«غربی‌ها سه قرن دنیا را غارت کردند؛ سه قرن! دنیا را غارت کردند. از شرق آسیا، از اندونزی، از فیلیپین، از نپال، از شبه‌قاره هند بگیرید تا آسیای مرکزی و آسیای غربی و تا شمال آفریقا، بخش‌های مغرب آفریقا و تا سرتاسر آفریقای سیاه؛ غربی‌ها سه قرن اینها را غارت کردند؛ به اینجا اکتفا نکردند، امریکای جنوبی را هم دست گذاشتند، آنجا را هم غارت کردند؛ قاره امریکا را! قاره امریکا هم صاحبانی داشت، تمدنی داشت، ملت‌هایی داشت؛ اینها با حیله‌های گوناگون ـ که همه اینها در تاریخ‌های دقیق مشخص است؛ کتاب بخوانید ان‌شاءالله، این حقایق را بیشتر از نزدیک درک کنید ـ فاجعه آفریدند؛ قتل، غارت، کشتار جمعی، شکنجه، فشار، برده‌گیری، برده‌داری؛ این کارها را غربی‌ها کردند. در این سه قرن، در همان حالی که غربی‌ها در عمل این‌جور مشغول جنایت بودند، روشنفکران‌شان و متفکران‌شان برای دنیا قانون حقوق بشر کشف می‌کردند و وضع می‌کردند! یعنی این تناقض در عمل و قول، این ریاکاری غربی‌ها [مشهود است]. در عمل آن‌جور، در زبان این‌جور؛ کشورهای اروپایی، بعد هم امریکا به معنای واقعی کلمه در سرتاسر دنیا انواع و اقسام جنایت‌ها را انجام دادند. خب اینها شاهکارهای تمدن غرب است؛ اینها شاهکارهای تمدن غرب است!».

قابل پیش‌بینی بود که بیانات ایشان با واکنش جریان‌های معاند و عقبه داخلی آنها مواجه شود. بخشی از واکنش جریان‌های تجدیدنظرطلب داخلی معطوف به همین فقره از سخنان ایشان و القای شبهاتی درخصوص همین بحث حقوق بشر غربی بود. به عنوان نمونه عمادالدین باقی از چهره‌های نزدیک به بیت حسینعلی منتظری در کانال تلگرامی‌اش نوشت: «نویسندگان نامدار و پرشماری در غرب، نیز در نقد تمدن غربی سخنان بسیار و گرانسنگی را بیان کرده‌اند اما اینکه که همه جنگ‌ها و جنایت‌های امریکایی و اروپایی را مساوی تمدن غربی بپنداریم، باید به همه لوازم آن پایبند باشیم زیرا منطقی است که این نتیجه نامطلوب را دارد که دیگران نیز کارنامه تمام جنگ‌ها، قساوت‌ها و خشونت‌هایی که در طول ۱۴ قرن گذشته در سراسر دنیای اسلام وجود داشته است را به پای تمدن اسلامی بگذارند! کاری که اسلام‌ستیزان دارند انجام می‌دهند در حالی که این منطق، معیوب است و می‌دانیم که این‌گونه احکام کلی درباره وقایع تاریخی جنبه علمی ندارند...».

طبیعتاً محور اصلی سخنان رهبر انقلاب نه ناظر به اصل مقوله حقوق بشر بلکه ناظر به استانداردهای دوگانه و تناقضاتی است که غربی‌ها در حوزه حقوق بشر در مقام ادعا و رفتار نشان می‌دهند. رهبر معظم انقلاب دقیقاً در ادامه همان سخنانی که جریان تجدیدنظرطلب به صورت بریده شده به آن استناد کردند به همین موضوع اشاره کردند:

«این یعنی تناقض در عمل و قول، این ریاکاری غربی‌ها مشهود است. در عمل آن‌جور در زبان این‌جور. کشورهای اروپایی، بعد هم امریکا به معنای واقعی کلمه در سرتاسر دنیا انواع و اقسام جنایت‌ها را انجام دادند. خب اینها شاهکارهای تمدن غرب است.»

بنابراین ضروری است که هنگام سخن گفتن در حوزه حقوق بشر بین حقوق الهی بشر و حقوق بشر مدنظر متفکران غربی تفکیک و تفاوت معنایی قائل شویم. هرچند ذکر همین نکته در پاسخ به شبهات این جریانات کفایت می‌کند اما نکاتی در تحلیل محتوای القایی این جریان گوشزد می‌شود. اولاً به اعتقاد حکمای مسلمان، حقوق بشر، حقوقی است که از جانب خالق بشر و از سر لطف و حکمت نه از سوی جنایتکاران و از سر تمتع بیشتر برای بشر تعریف می‌شود و پیشینه آن منحصر در تلاش جوامع انسانی غرب نبوده و قدمتی به درازای رسالت انبیا در طول تاریخ حیات بشری دارد. بنابراین باید متوجه بود که حقوقی که اسلام برای بشر به رسمیت می‌شناسد و امام خمینی(ره) و رهبر انقلاب معتقد به آن هستند، بسیار والاتر و مترقی‌تر از حقوقی است که متفکران غربی برای بشر تعریف نموده‌اند و امروز برخی در داخل کشور در مقام دفاع از حدود آن برآمده‌اند. ثانیاً از دیدگاه اسلامی تلاش بشر باید تنها منحصر در مقام مطالبه حقوق نباشد و بلکه حقوق در مقابل تکالیف است که معنا پیدا می‌کنند. بنابراین تلاش‌های صورت گرفته از سوی رسانه‌های غربی و مقلدان‌شان در ایران برای به دست فراموشی سپردن تکالیف بشر در مقابل پروردگار و پافشاری بر مطالبه حقوق بشر یک رفتار مغرضانه و براساس دورویی است. ثالثاً عملکرد و بیانات امام خمینی(ره) و رهبر انقلاب نشان می‌دهد که ایشان نه تنها در مقام گفتار بلکه در مقام عمل نیز بیش از هر کسی پایبند به جمهوریت و حفظ حقوق الهی جامعه اسلامی هستند و نقدهای صورت گرفته در بیانات ایشان ناظر به حقوق بشری است که از سوی سیاستمداران غربی به صورت ابزاری در جهت توسعه و تحقق منافع نظام سلطه و دستمایه سوءاستفاده‌های سیاسی قرار گرفته است. فراموش نکنیم که همین جریان تجدیدنظرطلب داخلی بیشترین تلاش‌ها را در جهت نفی حقوق سیاسی شهروندان برای به قدرت رسیدن یک جناح سیاسی خاص به خرج داده که ازقضا با مخالفت رهبر انقلاب مواجه شدند؛ از تلاش‌های فراقانونی و غیرقانونی برای مادام‌العمر کردن ریاست جمهوری یک شخص تا فتنه و دروغ تاریخی تقلب در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ و.... پافشاری حضرت امام(ره) بر نقش مردم در جمهوری اسلامی در سال‌های ابتدایی انقلاب و تأکیدات صریح رهبر انقلاب بر مفهوم مردم‌سالاری دینی و برگزاری دوسالانه انتخابات‌های آزاد از ابتدای انقلاب تاکنون و تمکین رهبران انقلاب از نظر اکثریت مردم خود گواهی بر این مدعاست.

رابعاً جالب است که فی‌المثل در یادداشت عماد باقی خشونت‌های صورت گرفته در بین جوامع مسلمان در طول ۱۴ قرن گذشته، به صورت پیوسته بازنمایی می‌شود؛ اما در مورد جنایات صورت گرفته در دنیای غرب به صورت مقطعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. نیازی به توضیح نیست که در تمام مخاصمات و درگیری‌های صورت گرفته در طی قرون گذشته حتی در جهان اسلام ردپای دخالت‌ها و تحریک‌های صورت گرفته از سوی جریانات یهودی در قرون نخستین صدر اسلام و دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای غربی در سده‌های اخیر به‌خوبی قابل مشاهده است. تنها جنایاتی که در رسانه‌های غربی به اسلام نسبت داده می‌شود مربوط به جنایات گروه داعش است که خود ساخته و مصنوع همین قدرت‌های غربی است. لازم به تذکر نیست که دو جنگ جهانی صورت گرفته در تاریخ جهان و تمام تجاوزات نظامی صورت گرفته پس از آن همگی توسط همین قدرت‌های غربی شعله‌ور و اداره شده است. لازم به توضیح نیست که جوامع مسلمان هیچ‌گاه دست به غارت و استعمار سایر کشورها نزدند؛ اما کشورهای استعمارگر تاریخ همچون فرانسه و پرتغال و انگلیس و امریکا و... که امروز ژست دفاع از حقوق بشر می‌گیرند دست‌هایی آلوده‌تر از تمام جهان دارند و در طی قرون اخیر جنایاتی را انجام داده‌اند که داعش مصنوع آنها نیز تخیل آن را نکرده است. لازم به توضیح نیست که تنها مورد استفاده از بمب اتمی در هیروشیما و ناکازاکی که منجر به کشتار ۲۲۰ هزار نفر در یک روز و میلیون‌ها نفر در نسل‌های بعدی شد، توسط کشور محبوب اصلاح‌طلبان - امریکا - ثبت شده است و امروز همین کشورهای به ظاهر حامی حقوق بشر بیشترین تعداد زرادخانه‌ها و کلاهک‌های اتمی را دارا هستند. لازم به توضیح نیست که کشتار ۱۰۰ میلیون سرخ پوست بومی قاره امریکا در جنگ‌های قرن ۱۶ تا ۱۹ میلادی توسط امریکایی‌های مدعی حقوق بشر رخ داده است. لازم به توضیح نیست که همین بریتانیا با قحطی‌های گسترده مصنوعی در دهه ۱۷۷۰ میلادی ۱۰ میلیون هندی را به کام مرگ فرستاد و در جنایتی دیگر تنها در سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ نیمی از جمعیت آن روز ایران یعنی ۹ میلیون نفر هموطن این جریان را با قحطی مصنوعی قتل عام نمود. فرانسه نیز در عرصه جنایات حقوق بشری کمی از سایر کشورهای غربی ندارد و فقط در سال ۱۹۶۲ در طی جنگ الجزایر ۱۵۰ هزار نفر را قتل عام کرد. همین فرانسه بود که در سال‌های جنگ تحمیلی با تسلیح رژیم بعث عراق به هواپیماهای میراژ و تسلیحات شیمیایی بهترین فرزندان این سرزمین را به شهادت رساند و... که اگر بنا به برشمردن این جنایات باشد از حوصله این نوشته خارج است و از ذکر ادامه آن صرفنظر می‌شود.

رهبر معظم انقلاب در همان دیدار فرمودند: «قاره امریکا هم صاحبانی داشت، تمدنی داشت، ملت‌هایی داشت؛ اینها با حیله‌های گوناگون ـ که همه اینها در تاریخ‌های دقیق مشخص است؛ کتاب بخوانید ان‌شاءالله، این حقایق را بیشتر از نزدیک درک کنید ـ فاجعه آفریدند؛ قتل، غارت، کشتار جمعی، شکنجه، فشار، برده‌گیری، برده‌داری؛ این کارها را غربی‌ها کردند» که دلالت این بیانات یک ارجاع دارد و آن رفتار و منش متناقض سیاستمداران و روشنفکران غربی است؛ موضوعی که مقلدان غربی‌ها در داخل ایران تمایلی به درک آن ندارند.

> جوامع مسلمان هیچ گاه دست به غارت و استعمار سایر کشورها نزدند؛ اما کشورهای استعمارگر تاریخ همچون فرانسه و پرتغال و انگلیس و امریکا و... که امروز ژست دفاع از حقوق بشر می گیرند دست هایی آلوده تر از تمام جهان دارند و در طی قرون اخیر جنایاتی را انجام داده اند که داعش مصنوع آنها نیز تخیل آن را نکرده است. لازم به توضیح نیست که تنها مورد استفاده از بمب اتمی در هیروشیما و ناکازاکی که منجر به کشتار ۲۲۰ هزار نفر در یک روز و میلیون ها نفر در نسل های بعدی شد، توسط امریکا ثبت شده است و امروز همین کشورهای به ظاهر حامی حقوق بشر بیشترین تعداد زرادخانه ها و کلاهک های اتمی را دارا هستند

newsweek

غرق مصنوعی یکی از روش‌های شکنجه در زندان‌های برون‌مرزی امریکا

بر اساس نظرسنجی گالوپ ۸۳ درصد امریکایی‌ها از وضعیت ایالات متحده ناراضی هستند

هشدار وزارت امنیت داخلی امریکا درباره تشدید ناآرامی‌ها در این کشور

وزارت امنیت داخلی امریکا روز سه‌شنبه در آخرین بولتن سیستم مشاوره ملی تروریسم اعلام کرد تصمیم دادگاه عالی در مورد سقط جنین، افزایش مهاجران در مرز ایالات‌متحده و مکزیک و انتخابات میان‌دوره‌ای، محرک‌های بالقوه خشونت افراطی در شش ماه آینده هستند. وزارت امنیت داخلی امریکا افزوده که ایالات‌متحده در یک محیط تهدید شدید قرار داشته و این عوامل ممکن است وضعیت را بدتر کند.

این در حالی است که براساس نظرسنجی جدید گالوپ، تنها ۱۶درصد از امریکایی‌ها از وضعیت کشور تحت رهبری جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا راضی هستند. این نظرسنجی جدید و عجیب که به تازگی منتشر شده نشان می‌دهد ۸۳درصد از امریکایی‌ها فکر می‌کنند ایالات‌متحده در بحبوحه تورم بالای بی‌سابقه، کمبود شیرخشک، قیمت گاز بسیار بالا و تیراندازی‌های دسته‌جمعی مرگبار، از ریل خارج شده و دیگر قابل مهار نیست. نظرسنجی گالوپ نشان می‌دهد تنها ۱۶درصد، از وضعیت موجود در ایالات‌متحده راضی هستند، ۸۳ درصد ناراضی‌اند و یک درصد باقی‌مانده هم نظری نداشته‌اند.

در بخشی از بولتنی که توسط وزارت امنیت داخلی امریکا در روزهای گذشته منتشر شده، آمده است: ما در ماه‌های آینده انتظار داریم ایالات‌متحده در یک محیط تهدید شدید قرار بگیرد زیرا می‌توان از چندین رویداد مهم برای توجیه اعمال خشونت‌آمیز علیه طیف وسیعی از اهداف احتمالی سوءاستفاده کرد. این بولتن همچنین ادعا کرد چین، روسیه، ایران و سایر کشورها به‌دنبال ایجاد اختلاف در داخل ایالات‌متحده برای تضعیف این کشور و جایگاه آن در جهان هستند و تا حدی این کار را با تقویت تئوری‌های توطئه و گزارش‌های نادرست که در جامعه امریکا رو به افزایش است، انجام می‌دهند. وزارت امنیت داخلی امریکا با اشاره به حمله نژادپرستانه که طی آن یک مرد مسلح سفیدپوست ۱۰سیاهپوست را در یک سوپرمارکت در شهر بوفالوی نیویورک قتل‌عام نمود، اعلام کرد که افراط گرایان خشن داخل امریکا، شدیدترین و به صورت بالقوه خشونت‌آمیزترین تهدید را ارائه می‌دهند.

گفتنی است رضایت دموکرات‌ها از آوریل تاکنون ۱۴واحد کاهش یافته و به ۲۴درصد رسیده که بیشترین کاهش کلی را به خود اختصاص داده است. اکنون تنها حدود یک‌چهارم دموکرات‌ها از امور ایالات‌متحده راضی هستند و این موضوع برای تداوم و بقای ریاست‌جمهوری بایدن یک تهدید اساسی است. در این میان تنها ۱۸درصد از گروه‌های مستقل و ۴درصد از جمهوری‌خواهان از وضعیت موجود راضی هستند.

به گفته تحلیلگران گالوپ، تورم در بحبوحه افزایش سرسام‌آور قیمت گاز و موادغذایی، کمبود شیرخشک و حوادث مرگبار اخیر که سابقه هم داشته‌اند، در بالاترین حد خود در ۴۰سال گذشته بوده است. جمهوری‌خواهان از جو بایدن به خاطر ناتوانی در مهار تورم و تشدید بی‌سابقه آن انتقاد کرده‌اند. در همین حال، کنگره همچنان در میان مردم بسیار منفور است. بر اساس نظرسنجی، ۷۷درصد، از کارهایی که کنگره انجام می‌دهد ناراضی هستند و تنها ۱۸درصد عملکرد آن را تأیید کرده‌اند. گالوپ در نظرسنجی خود از ایالات‌متحده بیان داشته است: «در حالی که کمتر از ۶ماه تا انتخابات میان‌دوره‌ای باقی مانده است، مردم بسیار ناامید شده‌اند و روحیه خوبی ندارند. تعداد کمی از امریکایی‌ها از جهت‌گیری کلی کشور و کنگره راضی هستند و این موضوع کشور را بشدت آسیب‌پذیر می‌کند.»

گفتنی است در نظرسنجی گالوپ، ۳۵درصد مردم رضایت خود را از مسائل سیاسی امریکا اعلام کرده بودند و ۶۵درصد نارضایتی خود را اعلام کردند. این درصد پایین‌ترین میزان در تاریخ امریکا به شمار می‌رود. علاوه بر این، در نظرسنجی قبلی ۱۹درصد از زندگی در این کشور راضی بوده‌اند و ۸۱درصد نارضایتی خود را از زندگی در امریکا اعلام کرده بودند که در نظر گرفتن این آمار نسبت به نظرسنجی جدید این مؤسسه، نشان از روند روبه‌رشد نارضایتی در ایالات‌متحده و افزایش نگرانی‌ها درباره اعتراضات مردمی دارد.

وزارت امنیت داخلی امریکا افزود خشونت افراط گرایان داخلی علیه نهادهای دموکراتیک، نامزدها و کارکنان انتخابات احتمالاً تا پاییز افزایش خواهد یافت.

عکس: آسوشیتدپرس